من روح الله انه لا ييأس من روح الله الا القوم الكافرون كما ذكر
از راحت خدا بدرستیکه شان اینکه مایوس نمیشود از راحت خدا مگر قوم کفار چنانچه ذکر کرد

في حكمة كل نبي ما جاء في حقه في التنزيل لانه يبين في هذه الحكمة ان
در حکمت هر نبی انچیکه آمده است در حق آن نبی در قرآن زیراکه بدرستیکه او بیان می نماید درین حکمت که بدرستیکه

الدين هو الانقياد وبالانقياد تحصل الراحة الحقيقة ويترتب عليه
دین آن انقیاد است و به انقیاد حاصل می شود راحت حقیقی و مترتب می شود بر آن

الروح الدائم السرمدي لان من انقاد لاوامر الحق وانتهى عن نواهيه
راحت دایم سرمدی زیراکه بدرستیکه هر که فرمان برداری کرد مر اوامر حق را و باز ماند از نواهی او

واسلم وجهه الى الله نال الدرجة العليا ووجد الراحة القصوى
و سپرد وجه خود را بسوی الله حاصل کرد درجهٔ برتر را و یافت راحت نهایت را

ويمكن ان يكون مضموم الراء لان معنى الدين الذي هو الانقياد من
و ممکن است که باشد روح مضموم الراء زیراکه بدرستیکه و معنیکه آن انقیاد است از

شان الروح المدبر للبدن واليه مال صاحب الفكوك قدس سره وتخصيصها
شان روح است که مدبر باشد مر بدن را و بسوی او میل کرده صاحب فکوک قدس سره و تخصیص آن

بالكلمة اليعقوبية لانه عليه السلام كان يعلم علم الانفاس والارواح
بکلمهٔ یعقوبیه برای آنکه بدرستیکه او علیه السلام بود داننده علم نفسها و ارواح

وكان كشفه روحانيا ولذلك قال لا تياسوا من روح الله فانه
و بود کشف او روحانی و برای آن گفت مایوس مشوید از روح خدا زیراکه بدرستیکه او

يجد في مقام روحه بقاء يوسف عليه السلام واخيه وجدانا
می یافت در مقام روح خود بقاء یوسف علیه السلام را و برادر او را یافتنی

اجماليا كما قال اني لاجد ريح يوسف ولا يجد عيانا تفصيليا ولذلك
اجمالی چنانچه گفت بدرستیکه من هر آئینه می یابم بوی یوسف را و نمی یافت علانیه تفصیلیه و برای آن

وابيضت عيناه من الحزن وذوق اهل الانفاس عزيز النال فقد جعل
و سپید گردیده بود هر دو چشم او از اندوه و ذوق انفاس عزیز الحصول است بتحقیق گردانید

الله لهم التجلي والعلم في الشم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
الله تعالی برای ایشان تجلی و علم در شمیدن فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم

اني لاجد نفس الرحمان من قبل اليمن قيل انه عليه السلام كنى بذلك
که بدرستیکه من هر آئینه می یابم نفس رحمان را از جانب یمن گفته شده است که بدرستیکه او علیه السلام کنایه فرموده با آن

من الانصار وهم صور القوى الروحانية التي نصرتهم على صفة القوى
از انصار و ایشان صورتهای قوای روحانیه اند که نصرت داد بایشان بر صفت قوای

الطبيعية واليمن ايضا من اليمين وهو اشارة الى الروحية وعالم القدس
طبیعیه و یمن نیز مشتق از یمین است و آن اشارت است بسوی روحیه و عالم قدس است

ان الدين عند الله الاسلام ومعناه اي معنا الاسلام لغة
بدرستیکه دین نزدیک خدا اسلام است و معنای آن ای معنای اسلام از روی لغت

الانقياد كالدين هو الانقياد و مراد از اسلام انقياد بنده مر حكم
فرمان بردار است مانند دین که او فرمان بردار است

حق تعالی را بهر وجهی که انبیا و علما که ورثهٔ انبیا اند از آن اخبار کرده باشند
ظاهرا و باطنا اما ظاهرا با تیان ما امر الله و رسوله و اما باطنا بتصدیق بدل و دل
توفیق آن را بقبول تلقی کردن و حقیقت انقیاد باطن آنست که بی حرجی و تنگی

Copyright © King Saud University